

الدرس الرابع والعشرون

خانواده = أسرة

خانواده ات = أسرتک

آنها مي روند = هم يذهبون

همه خوبند = کلّهم بخير

فردا = غداً

پس فردا = بعد غدٍ

به راحتی = بسهولة

اوراه مي رود = هو يمشي

بسيار خوب = جيد جداً

خواهند رفت = سيذهبون

درست است = صحيح

بیمارستان = مستشفى

بیمارستانها = مستشفيات

جراحان = جراحون

مردم = الناس

کشور = بلد

کشورها = بئدان

همسايه = جار

عمل جراحي = عملية جراحية

آنها مي ايند = هم يأتون

راستي = طيب

تو مي روي = أنت تذهب

من مي روم = أنا أذهب

با خانواده ام = مع أسرتي

چند روز = كم يوماً؟

تو مي ماني = أنت تبقي

من مي مانم = أنا أبقى

تقريباً = حوالي

هفته = أسبوع

يك هفته = أسبوع واحد

تو برمي گردي = أنت تعود

من برمي گُردم = أنا أعود

كي = متي

جمعه = الجمعة

چون = لأنّ

خيلي = جدا

خيلي كار دارم = عليّ واجبات كثيرة

يسجّل محمد رقم الهاتف النّقَال لعلّي. ويتصل به... نستمع الي الحديث بينهما:

محمد: خانواده ات چطورند؟

محمد: كيف حالُ أَسرتك؟

علی: همه خوبند. آنها فردا يا پس فردا به شیراز خواهند رفت.

علی: کلهم بخیر. هم سیذهبون الي شیراز غداً او بعد غدٍ.

محمد: الان پدرت چطور است؟ خوب است؟

محمد: كيف حال والدک الآن؟ هو بخیر؟

علی: بله. خيلي خوب است. او به راحتی راه مي رود. دکتر رضوي جراح بسيار خوبي است.

علی: نعم. جيّد جداً. هو يمشي بسهولة. الدكتور رضوي جراح جيّد جداً.

محمد: بله. جراحان ایرانی بسیار خوب اند.

محمد: نعم. الجراحون الإيرانيون جيّدون جداً.

علی: درست است. ایران بیمارستانها و جراحان خوبی دارد و مردم کشورهاي همسایه برای عمل جراحی به ایران می آیند.

علی: صحیح. ایران عندها مستشفيات وجراحون جيّدون، والناس من البلدان الجارة يأتون الي ایران لاجراء عمليات جراحية.

محمد: راستي تو هم به شیراز می روي؟

محمد: طیب! أنت أيضاً تذهب الي شیراز؟

علی: بله. من هم با خانواده ام به شیراز می روم.

علی: نعم. أنا أيضاً أذهب مع أسرتي الي شیراز.

محمد: چند روز در شیراز می ماني.

محمد: كم يوماً تبقي في شیراز؟

علی: تقریباً یک هفته.

علی: أسبوعاً واحداً تقريباً.

محمد: كي به تهران بر می گردی.

محمد: متي تعود الي طهران؟

علی: جمعه به تهران بر می گردم، چون در اینجا خیلی کار دارم.

علی: أعود الي طهران الجمعة، لان عليّ واجبات كثيرة هنا.

نستمع الي الحوار مرة أخرى وباللغة الفارسية فقط.

محمد: خانواده ات چطورند؟

علی: همه خوبند. آنها فردا یا پس فردا به شیراز خواهند رفت.

محمد: الان پدرت چطور است؟ خوب است؟

علی: بله. خیلی خوب است. او به راحتی راه می رود. دکتر رضوی جراح بسیار خوبی است.

محمد: بله. جراحان ایرانی بسیار خوب اند.

علی: درست است. ایران بیمارستانها و جراحان خوبی دارد و مردم کشورهای همسایه برای عمل جراحی به ایران می آیند.

محمد: راستی تو هم به شیراز می روی؟

علی: بله. من هم با خانواده ام به شیراز می روم.

محمد: چند روز در شیراز می مانی.

علی: تقریباً یک هفته.

محمد: کی به تهران بر می گردی.

علی: جمعه به تهران بر می گردم، چون در اینجا خیلی کار دارم.